

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان انگلیسی

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان شناسی همگانی

تحت عنوان

بررسی ساخت و نقش‌های گروه‌ها در گویش مازندرانی (لهجی بهشهری) بر اساس
نظریه‌ی اصول و پارامترها

استاد راهنما

دکتر خسرو غلامعلی زاده

نگارش

نظر ریحانی

مهر ماه 1388

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و

نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه

متعلق به دانشگاه رازی است.

چکیده

این تحقیق به بررسی ساخت و نقش‌های نحوی گروه‌ها در گویش مازندرانی لهجه‌ی بهشهری بر اساس نظریه‌ی اصول و پارامترها می‌پردازد. گروه‌های نحوی موجود در این گویش ساختی پیچیده و نقش‌های نحوی متنوعی دارند. این گروه‌ها در بسیاری موارد ویژگی‌هایی دارند که آنرا از برخی از گویش‌ها و زبان‌های دیگر متمایز می‌کند. وجود ساخت پس‌اضافه‌ای، صفت ملکی و هسته‌انتها بودن از ویژگی‌های مهم ساخت گروه‌ها در این گویش است. نظریه‌ی اصول و پارامترها که این تحقیق بر اساس آن شکل گرفته است، یکی از معروفترین نظریه‌ها در عرصه‌ی زبان‌شناسی است. بررسی صورت گرفته از ساخت و نقش‌های نحوی گروه‌ها در این گویش براساس نظریه‌ی اصول و پارامترها جهانی بودن این نظریه را تأیید می‌کند. در انجام این تحقیق علاوه بر استفاده از اطلاعات و شمّ‌زبانی نگارنده و آثار مکتوب، از اطلاعات زبانی دیگر گویشوران بومی نیز استفاده شده است. این کار با انجام مصاحبه، ضبط گفتار آنها و استخراج داده‌های مورد نظر صورت گرفته است. این پژوهش در چهار بخش تنظیم شده است. در بخش اول یا مقدمه به هدف تحقیق، و روش تحقیق اشاره شده است. در این بخش هم چنین اطلاعاتی درباره‌ی استان مازندران، شهرستان بهشهر، گویش مازندرانی و لهجه بهشهری داده شده است. در بخش دوم، بطور اجمال اطلاعات آواشناختی مربوط به همخوان‌ها و واکه‌های موجود در این گویش ذکر شده است. در بخش سوم، نظریه اصول و پارامترها معرفی و شرح داده شده است. سرانجام در بخش چهارم که مهمترین بخش این پژوهش است، ساخت و نقش‌های نحوی گروه‌ها در این گویش بررسی شده است.

کلید واژه‌ها: گویش مازندرانی، ساخت و نقش‌های گروه‌ها، هسته، وابسته، نظریه‌ی اصول و پارامترها

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول
2	1- مقدمه.....
2	1-1- هدف تحقیق.....
3	2-1- روش تحقیق.....
4	3-1- گویش مازندارنی (لهجه ی بهشهری).....
	فصل دوم
9	2- آواشناسی.....
9	1-2- همخوان ها.....
14	2-2- واکه ها.....
14	1-2-2- واکه های ساده.....
15	2-2-2- واکه های مرکب.....
16	3-2- ساختمان هجا.....
	فصل سوم
18	3- دیدگاه نظری.....
18	1-3- معرفی نظریه ی اصول و پارامترها.....
18	1-1-3- شرح برخی از اصول و پارامترها.....
22	2-3- زیرمجموعه های نظریه ی اصول و پارامترها.....
	فصل چهارم
32	4- ساخت و نقش های گروه ها.....
36	1-4- ساخت و نقش های نحوی گروه اسمی.....
36	1-1-4- ساخت گروه اسمی.....

36.....	1-1-1-4- وابسته های پیشین اسم.....
47.....	2-1-1-4- وابسته های پسین اسم.....
49.....	2-1-4- نقش های نحوی گروه اسمی.....
59.....	2-4- ساخت و نقش های نحوی گروه صفتی.....
59.....	1-2-4- ساخت گروه صفتی.....
59.....	1-1-2-4- وابسته های پیشین صفت.....
61.....	2-2-4- نقش های نحوی گروه صفتی.....
64.....	3-4- ساخت و نقش های نحوی گروه قیدی.....
65.....	1-3-4- ساخت گروه قیدی.....
65.....	1-1-3-4- وابسته های پیشین قید.....
66.....	2-3-4- نقش های نحوی گروه قیدی.....
69.....	4-4- ساخت و نقش های گروه حرف اضافه دار.....
70.....	1-4-4- ساخت گروه حرف اضافه دار.....
75.....	2-4-4- نقش های گروه حرف اضافه دار.....
85.....	5-4- ساخت گروه فعلی و متمم های آن.....
98.....	نتیجه گیری.....
99.....	منابع.....

فهرست شکل ها و جدول ها

صفحه	عنوان
4.....	شکل (1-1) نقشه استان مازندران.....
6.....	شکل (2-1) نقشه بهشهر و حومه آن.....
38.....	جدول (1-4) صفات ملکی.....

نشانه ها

1- همخوان ها

2- واکه ها

علائم آوایی	حروف فارسی	علائم آوایی	حروف فارسی
æ	آ، اَ	p	پ
ɛ	اِ، اِ	b	ب
o	اُ، اُ	t	ت، ط
a	آ	d	د
u	او	k	ک
i	ای	g	گ
		q	ق، غ
		ʔ	همزه، ع
		f	ف
		v	و
		s	س، ص، ث
		š	ش
		ž	ژ
		z	ز، ذ، ض، ظ
		x	خ
		h	ه، ح
		č	چ
		ĵ	ج
		m	م
		n	ن
		l	ل
		r	ر
		y	ی

مخفف ها و معادل فارسی آنها

Advp	گروه قیدی
Adv'	گروه قیدی درونه
Adv	قید
AGRp	گروه مطابقه
AGR'	گروه مطابقه درونه
AGR	مطابقه
Ap	گروه صفتی
A'	گروه صفتی درونه
A	صفت
Np	گروه اسمی
N'	گروه اسمی درونه
N	اسم
PP	گروه حرف اضافه دار
P'	گروه حرف اضافه دار درونه
P	حرف اضافه
spec	مشخص گر
Tp	گروه زمان دار
T'	گروه زمان دار درونه
T	زمان
t	رد
Vp	گروه فعلی
V'	گروه فعلی درونه
V	فعل

فصل اول

مقدمه

1 - مقدمه

گویش‌ها ذخایر فرهنگی و ملی هر کشوری هستند. یادگیری هر زبان و گویشی یادگیری یک فرهنگ جدید است. بنابراین، باید در حفظ آن نهایت تلاش را انجام داد. یکی از راه‌های حفظ گویش‌ها، توصیف و هر چه بیشتر شناساندن آنها است. در این پژوهش یکی از گویش‌های ایرانی واقع در شمال ایران یعنی گویش مازندرانی (لهجه‌ی بهشهری) مورد بررسی قرار می‌گیرد. گویش مازندرانی با گونه‌های مختلف آن بطور عمده توسط مردم استان مازندران و بخشی از استان گلستان تکلم می‌شود. این استان‌ها در حاشیه‌ی جنوبی دریای خزر واقع شده‌اند. گویش‌ها و زبان‌ها از جنبه‌های مختلفی مانند آواشناسی، معناشناسی، صرف و نحو می‌توانند مورد بررسی قرار گیرند. آنچه که در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد، ساخت و نقش‌های نحوی گروه‌ها در لهجه‌ی بهشهری این گویش است. از آنجاییکه از کنار هم قرار گرفتن گروه‌ها جمله تشکیل می‌شود بنابراین شناختن گروه‌ها، ساخت و نقش‌های نحوی آنها اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند.

۱-۱- هدف تحقیق

هدف از این پژوهش بررسی ساخت و نقش‌های نحوی گروه‌ها در گویش مازندرانی (لهجه‌ی بهشهری) است. بررسی ساخت و نقش‌های گروه‌ها در این گویش بر اساس نظریه‌ی اصول و پارامترها برای دستیابی به اهداف زیر صورت گرفته است.

یک- بررسی ساخت و نقش‌های نحوی گروه‌های این گویش باعث معرفی و بهتر شناساندن این گویش و ساختارهای نحوی موجود در آن شود.

دو- بررسی ساخت و نقش‌های نحوی گروه‌های این گویش برای زبان‌شناسی تطبیقی و مقایسه‌ی ساخت‌های نحوی این گویش با ساخت‌های نحوی دیگر گویش‌های ایرانی مفید واقع شود.

سه- بررسی ساخت و نقش‌های نحوی گروه‌های این گویش، جهانی بودن نظریه‌ی اصول و پارامترها را نشان دهد. چهار- بررسی ساخت و نقش‌های نحوی گروه‌های این گویش بتواند برای کسانی که می-

خواهند این گویش را یاد بگیرند مفید واقع شود. چونکه افراد با آگاهی از ساخت‌های گروهی درست می‌توانند جملات درستی تولید کنند و آنها را در ارتباط خود با دیگر گویشوران این گویش بکار برند ولی اگر افراد از ساخت‌های گروهی درست این گویش مطلع نباشند، نمی‌توانند جملات درست تولید کنند. در نتیجه قادر به ایجاد ارتباط مؤثر با دیگر گویشوران این گویش نخواهند بود.

۱-۲- روش تحقیق

معمولا برای گردآوری داده‌ها در مورد گویش‌ها سه روش وجود دارد.

یک- گفتار و شم زبانی خود نگارنده بعنوان گویشور بومی.

دو- گفتار سایر گویشوران بومی که به آن گویش سخن می‌گویند.

سه- آثار نوشته شده در مورد آن گویش.

اینجانب خود بهشهری هستم و گویش مازندرانی (لهجی بهشهری) زبان مادری‌ام است که آن را در ارتباط با دیگر گویشوران بومی آن به کار می‌برم. خود این موضوع کمک بسیار زیادی به من در انجام این تحقیق کرده است و کار را برای من بسیار آسانتر نموده است.

در مورد گفتار سایر گویشوران بومی چند نکته را مورد لحاظ قرار داده‌ام. مهم‌ترین کار، انتخاب گویشوران مناسب برای این پژوهش بود. من به دنبال گویشورانی بودم که دو شرط زیر را داشته باشند.

یک- بومی بودن

دو- مسن بودن

گویشوری باید برای پژوهش‌های زبان‌شناختی انتخاب شود که بومی باشد و بر آن گویش تسلط کافی و لازم را داشته باشد. اگر گویشور بومی و محلی نباشد مثلا اگر مهاجر باشد ممکن است با دادن اطلاعات ناکافی و غلط، پژوهشگر را در پژوهش‌های خود گمراه کند. هم چنین، بهتر است گویشوری که برای پژوهش‌های زبانی انتخاب می‌شود مسن باشد. افراد مسن تجربیات زبانی کافی دارند و واژگان و ساخت‌هایی که بکار می‌برند کمتر دستخوش تغییرات و یا بهم آمیختگی با زبان‌های دیگر قرار گرفته است. بعبارت دیگر، گویش افراد مسن اصیل‌تر و دست‌نخورده‌تر از گویش افراد جوان است. در اثر ارتباطات فرهنگی و زبانی اخیر با زبان‌ها و فرهنگ‌های دیگر، گویش جوانان نسبت به افراد مسن تغییرات بیشتری پیدا کرده است و سبب ورود برخی واژگان و ساختارهای نحوی از زبان‌های دیگر از جمله فارسی به گویش‌های بومی از جمله مازندرانی شده است.

اینجانب برای اینکه از گویشوران بومی اطلاعات و داده‌های زبانی را کسب کنم با آنها به گفتگو نشسته‌ام و گفته‌های آنها را بر روی نوار کاست ضبط کرده‌ام. بعد با حوصله به آنها گوش داده‌ام و نکات مورد نظر را استخراج کردم.

در انجام این پژوهش هم چنین از برخی کتب نوشته شده در مورد استان مازندران، گویش مازندرانی، نحو و نظریه‌ی اصول و پارامترها استفاده کرده‌ام.

در مجموع می‌توان گفت اینجانب از شیوه‌ی توصیفی در انجام این پژوهش استفاده کرده‌ام که در آن با گردآوری اطلاعات نحوی مربوط به این گویش به توصیف آن بر اساس نظریه اصول و پارامترها پرداخته‌ام.

۱-۳- گویش مازندارنی (لهجه ی بهشهری)

قبل از اینکه در مورد این گویش توضیح داده شود، لازم است در ابتدا برای آشنایی بیشتر خوانندگان کلیاتی درباره استان مازندران و شهرستان بهشهر بیان شود.

الف) استان مازندران

«استان مازندران با برخورداری از $\frac{۴}{۳}$ درصد از جمعیت ایران و ۲۳۷۵۶ کیلومتر مربع وسعت (معادل $\frac{۱}{۴۶}$ درصد مساحت کشور) در شمال ایران واقع شده است. بر اساس آخرین برآورد ها جمعیت مازندران ۲۹۸۳۰۰۰ نفر می باشد. ۸۰ درصد مساحت مازندران جنگل و مرتع است. استان مازندران دارای ۳۳۸ کیلومتر نوار ساحلی می باشد. مازندران از شمال به دریای خزر، از شرق به استان گلستان، از غرب به استان گیلان و از جنوب به سلسله کوه های البرز، استان تهران، استان سمنان و استان قزوین محدود است. آب و هوای مازندران با توجه به وجود دریا، جنگل و کوهستان به نواحی معتدل مرطوب جلگه ای، معتدل کوهپایه ای و سرد کوهستانی دسته بندی می شود که جمعیت غالب استان در اراضی جلگه ای آن ساکن هستند. استان مازندران یکی از قطب های مهم کشاورزی بوده که سهم قابل توجهی از تولیداتی چون برنج، مرکبات، کیوی و دانه های روغنی را به خود اختصاص داده است. دریای مازندران با سواحل زیبای خود و آب و هوای معتدل باعث شده سالانه میلیون ها نفر مسافر از این استان دیدن نمایند. با توجه به نزدیک بودن به کشورهای مشترک المنافع بنادر استان می توانند نقش مهمی در رونق اقتصادی منطقه ایفا نمایند.» به نقل از سایت اینترنتی اداره کل تعاون استان مازندران.

ترزبان، هادیان و فرزاد (۱۳۸۴ : ۱۷) شهرستان های استان مازندران را اینگونه ذکر می کنند: رامسر، تنکابن، چالوس، نوشهر، نور، محمود آباد، آمل، بابلسر، بابل، سوادکوه، جویبار، قائم شهر، ساری، نکا و بهشهر.



شکل (۱-۱) نقشه استان مازندران

ب) شهرستان بهشهر

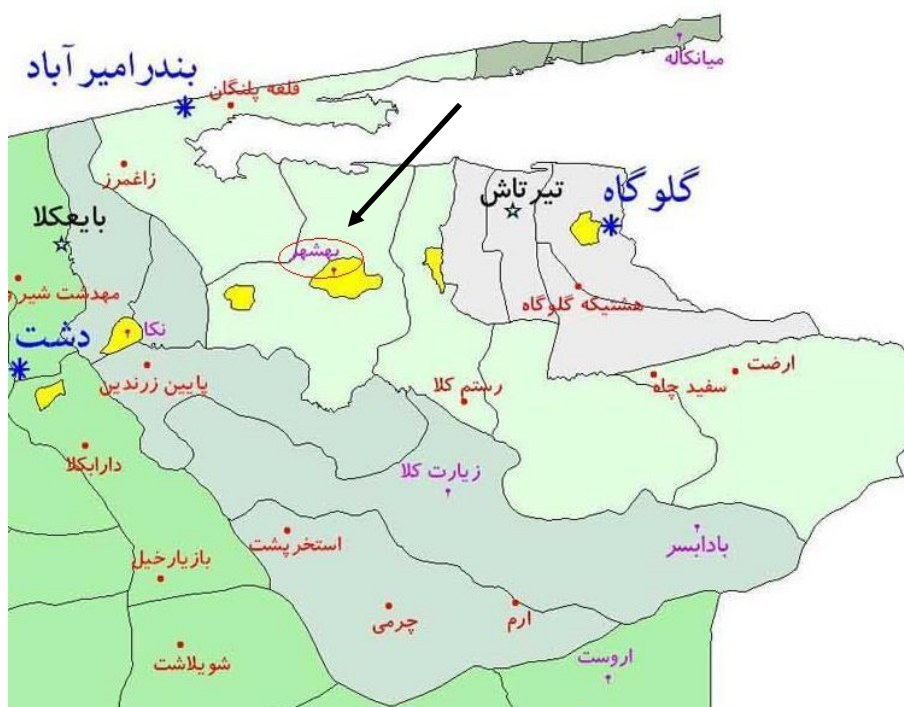
«نام منطقه‌ی بهشهر قبل از دوران صفوی همیشه، نامیه، پنج هزاره، آسیابسر و خرگوران بوده و چون مادر شاه عباس بهشهری بود، پادشاه صفوی با مسافرت به بهشهر این شهر را پایتخت تابستانی خود ساخته و نام آن را به اشرف البلاد یعنی شریف‌ترین شهرها تغییر داد و کاخ‌ها و عمارت‌هایی را در آن شهر بنا نهاد. رکن الاسفار، از درباریان دوره ناصری در سفرنامه‌ی خود وجه تسمیه دیگری را برای اشرف ذکر می‌کند. او معتقد است زمانی که شاه عباس این شهر را به صورت مدرن و امروزی بنا نهاد، پاره‌ای از درباریان گفتند «هذا اشرف من فرح آباد» و همین کلمه به مذاق شاه خوش آمد.» به نقل از سایت اینترنتی ویکی‌پدیا.

ستوده (۱۳۷۵: ۶۱۳) می‌گوید: «شهر اشرف (بهشهر) از بناهای دوران صفویان است و در زمان شاه عباس آباد شده و بسیار رونق داشته است. آثار تاریخی این شهر کاخ‌های شش‌گانه شاه عباس اول و سد عباس آباد در هفت کیلومتری جنوب شرقی شهر و کاخ صفی آباد و کاخ همایون تپه‌ی شاه عباس دوم است.»

هم چنین مهجوری (۱۳۴۵: ۱۷۹) می‌نویسد. «ناصرالدین شاه در سیزدهم ذی‌الحجه ۱۲۸۳ قمری به اشرف رفت و در باغ شاه عباس که بسیار بنای معتبر و عالی است نزول اجلال کرد.»

عسگری (۱۳۵۰: ۱۱۴-۱۰۸) می‌گوید: «کاوش‌های باستان‌شناسی از منطقه و آثار بدست آمده دلیل بر قدمت تاریخی این شهرستان می‌باشد. در سال‌های ۱۳۲۸ و ۱۳۳۰ کارلتون، اسکون استاد باستان‌شناسی دانشگاه ویلادلفیای ایالات متحده آمریکا چند غار واقع در شهرستان بهشهر از جمله غارهای التپه، کمر بند، هوتو و رستم کلا را مورد بازدید قرار داد و تحقیقاتی درباره‌ی وضع دوران پیش از تاریخ این نواحی بعمل آورد و برای مطالعه‌ی دقیق‌تر دو غار کمر بند و هوتو را انتخاب کرد. این دو غار در دو کیلومتری غرب بهشهر در کنار یکدیگر واقع شده‌اند. در این غارها نمونه‌هایی از ابزار و آلات مردم گذشته (مربوط به ۶۰۰۰ تا ۸۰۰۰ سال قبل از میلاد) بدست آمده است.»

مطالب ذکر شده فوق، خود بخوبی نشان‌دهنده‌ی قدمت تاریخی این شهرستان هستند. شهرستان بهشهر در شرق استان مازندران واقع شده است. دارا بودن جاذبه‌های طبیعی مانند جنگل‌های انبوه، نزدیکی به دریای خزر و شبه جزیره‌ی میانکاله به جذابیت‌های این شهرستان افزوده است.



شکل (۱-۲) نقشه بهشهر و حومه

پ) گویش مازندرانی و گونه‌های آن

شیری (۱۳۸۶: ۵۶) می نویسد: «زبان‌ها و گویش‌های ایرانی به دو گروه عمده ی غربی و شرقی تقسیم می شوند. گروه غربی خود به دو شاخه ی شمال غربی و جنوب غربی دسته بندی می شوند. گروه شرقی نیز به دو شاخه ی شمال شرقی و جنوب شرقی تقسیم می شوند.»

شیری (همانجا: ۵۱) گویش مازندرانی را جزء زبان‌های ایرانی شمال غربی محسوب کرده و می افزاید: «این زبان‌ها و گویش‌ها از گویش‌هایی گرفته شده اند که در دوره باستان در بخش شمالی و شمال غربی فلات ایران (منطقه ماد) رواج داشته اند.»

«زبان‌های ایرانی از شاخه هند و اروپایی منشعب و به دو دسته ی شرقی و غربی تقسیم می شوند. دسته ی غربی نیز خود به دو دسته ی شمال غربی و جنوب غربی تقسیم می شوند. زبان‌ها یا گویش‌های اطراف خزر یا خزری در شمار دسته ی زبان‌های شمال غربی به حساب می آیند و با گویش‌های کردی، سیوندی، بلوچی، تاتی و گویش‌های مرکزی ایران ویژگی‌های مشترکی دارند. گویش‌های کناره ی خزر شامل طبری یا مازندرانی، گیلکی و گونه‌های آن و طالشی است. گویش طبری یا مازندرانی در حاشیه ی باریک بین کوه‌های البرز و کناره ی جنوب شرقی دریای خزر سخنگو دارد. این منطقه از شرق به گرگان، از غرب به گیلان، از جنوب به سمنان و تهران و از شمال به دریای خزر محدود است. تفاوت این گویش از شرق به غرب بسیار است.» شکر (۱۳۸۵: سیزده)

بطور کلی لهجه ی غرب مازندران و شهر هایی مانند تنکابن و رامسر با لهجه ی شرق مازندران و شهر هایی مانند ساری و بابل از نظر آوایی، واژگانی و دستوری تفاوت دارد. من بعنوان یک بهشهری (شهری که در شرق استان واقع شده است) اگر بخواهم با هم استانی ام از غرب مازندران مثلا از رامسر به گفتگو بنشینم در بیشتر مواقع در فهم جملات او دچار مشکل می شوم ولی هنگامی که بخواهم با فردی از مرکز یا شرق مازندران مثلا از ساری به گفتگو پردازم این کار به سادگی و بدون کوچکترین مشکلی انجام می پذیرد.

شکری (۱۳۸۵ : ۲۵) می گوید: «از نظر آوایی گویش رامسری چند واجگونه، اضافه بر واجهای معمول در گویش ساری دارد که از این نظر گویش رامسری به گویش گیلکی شبیه می شود. البته واژه های مازندرانی بسیاری عیناً یا با اندک تغییر آوایی در این گویش دیده می شود ولی غلبه با واژه ها و ساخت گیلکی است.» بنابراین می توان گویش مازندرانی را به دو گونه ی عمده ی شرقی و غربی طبقه بندی کرد. از آنجاییکه شهرستان بهشهر در شرق استان واقع شده است باید لهجه بهشهری را جزء گونه ی شرقی گویش مازندرانی محسوب کرد. در تحقیق حاضر گویش مازندرانی (لهجه بهشهری) از لحاظ ساختار های نحوی بر اساس نظریه ی اصول و پارامترها مورد مطالعه و بررسی قرار می گیرد.

فصل دوم

آواشناسی

2 - آواشناسی

حق شناس (۱۳۸۳: ۱۳) می گوید: «از آنجا که در مطالعات زبان شناسی دسترسی به نظام های مجرد و ذهنی زبان جز از راه تظاهر آنها در ماده زبانی عملاً میسر نیست، ناچار پژوهش های زبانی را باید با مطالعه ی آوای زبان آغاز کرد. پس آواشناسی را باید در شمار مقدمات زبان شناسی دانست که مطالعه آن شرط آغازی پژوهش های زبانی است.»

با توجه به گفته ی فوق، مشخص می شود که آواشناسی با نحو و ساختار زبان رابطه ی تنگاتنگی دارد، چونکه ساختها و نظامهای زبانی بصورت آوا متجلی می شوند. بنابراین در این قسمت بطور اجمال همخوانها، واکه ها و ساختمان هجا در این گویش شرح داده می شود.

۲-۱- همخوان ها

لیونز (۱۹۹۰: ۷۵) معتقد است: «همخوانها آوایی هستند که با انسداد موقتی یا محدود کردن جریان هوایی که از دهان عبور می کند تولید می شوند.» معمولاً همخوانها بر اساس سه معیار مهم واکداری، جایگاه تولید و نحوه ی تولید طبقه بندی می شوند. در این قسمت بطور خلاصه با توجه به سه معیار گفته شده، به توصیف همخوانهای موجود در گویش مازندرانی می پردازیم و در پایان توصیف هر همخوانی، چند مثال که آن همخوان در آن بکار رفته است آورده می شود. در این گویش بیست و سه همخوان وجود دارد که عبارتند از:

یک - /p/

همخوانی است دولبی، انسدادی و بی واکه.

(۱) /ɛʃpɛl/ تخم ماهی

(۲) /pɛrtqal/ پرتقال

دو - /b/

همخوانی است دولبی، انسدادی و واکدار.

(۳) /berar/	برادر
(۴) /bom/	بام

/t/ - سه

همخوانی است دندانی، انسدادی و بی واک.

(۵) /titi/	شکوفه
(۶) /tɛj/	تیز

/d/ - چهار

همخوانی است دندانی، انسدادی و واکنار.

(۷) /xurd/	کوچک
(۸) /du/	دوغ

/k/ - پنج

همخوانی است نرم کامی، انسدادی و بی واک.

(۹) /æjik/	کرم خاکی
(۱۰) /kæffal/	ماهی کفال

/g/ - شش

همخوانی است نرم کامی، انسدادی و واکنار.

(۱۱) /gæt/	بزرگ
(۱۲) /tɛg/	دهان

/q/ - هفت

همخوانی است ملازی، انسدادی و واکنار.

(۱۳) /merqaz/	قیچی
(۱۴) /mæqɛz/	مگس

هشت - /ʔ/

همخوانی است چاکنایی، انسدادی و بی واک.

(۱۵) /pæʔiz/ پاییز

(۱۶) /ʔɛsa/ حالا

نه - /f/

همخوانی است لب و دندانی، سایشی و بی واک.

(۱۷) /fɛnɛr/ فانوس

(۱۸) /lif/ لیف

ده - /v/

همخوانی است لب و دندانی، سایشی و واکنار.

(۱۹) /vɛrg/ گرگ

(۲۰) /væg/ قورباغه

یازده - /s/

همخوانی است لثوی، سایشی و بی واک.

(۲۱) /tas/ کاسه

(۲۲) /sɛrx/ سرخ

دوازده - /z/

همخوانی است لثوی، سایشی و واکنار.

(۲۳) /zundi/ زانو

(۲۴) /mɛzɛ/ مزه

سیزده - /ʃ/

همخوانی است لثوی-کامی، سایشی و بی واک.